

متن و ترجمه

نجم البلاغة

با تأکید بر معانی مفردات و ترکیبات

ترجمه و توضیح:

دکتر منصور پهلوان

استاد دانشگاه تهران



سرشناسه

: علی بن ابی طالب علیهما السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

Ali ibn abi-Talib, Imam 1, 600-661*

عنوان قرارداد

: نهج البلاغه. فارسی - عربی.

عنوان و نام پدیدآور

: متن و ترجمه نهج البلاغه / اگردآوری سید رضی ا: مترجم منصور پهلوان محمدعلی.

مشخصات نشر

: تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۸۳۶ ص.

شابک

978-964-440-647-8:

وضعیت فهرست نویسی

: فیا.

یادداشت

: فارسی - عربی.

موضوع

: علی بن ابی طالب علیهما السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- کلمات قصار.

موضوع

Ali ibn abi-Talib, Imam 1, 600-661 - Quotations :

موضوع

: علی بن ابی طالب علیهما السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- خطبه‌ها.

موضوع

Ali ibn abi-Talib, Imam 1, 600-661 - *Public speaking :

موضوع

: علی بن ابی طالب علیهما السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نامه‌ها.

موضوع

Ali ibn abi-Talib, Imam 1, 600-661 - Correspondence :

شناسه افزوده

: سید رضی، محمد بن حسین، ۳۵۹ - ۴۶۰ ق، گردآورنده.

شناسه افزوده

Sayyed Razi :

شناسه افزوده

: تهران، منصور، ۱۳۳۲ - ، مترجم.

رده بندی کنگره

BPV/۵۳۹

رده بندی دیویی

۶۲۷/۹۵۱۵

شماره کتابخانه ملی

۸۴۷۹۵۰۶:

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا.



تهران - خیابان پامناز - بنی هاشم - پلاک ۱۲ و ۱۸ تلفن: ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۵۵۶۲۷۴۴۹

فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - بازارچه کتاب - پلاک ۱۰ تلفن: ۶۶۴۸۲۲۴۶ - ۶۶۴۰۸۴۴۱

www.darolkotob.com

instagram: @darolkotob

متن و ترجمه نهج البلاغه

مترجم: منصور پهلوان

- چاپ اول: ۱۴۰۰ ش.
- تعداد صفحات و قطع: ۸۳۶ ص، وزیری.
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: موعود
- چاپ: گلپان
- صحافی: دارالکتب الاسلامیه ۳۳۹۳۴۴۷۸
- ناشر: دارالکتب الاسلامیه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۰-۶۴۷-۸ / 978-964-440-647-8 ISBN:
- حق چاپ برای ناشر محفوظ است
- این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است



قیمت
۱۵۰,۰۰۰ هزار تومان

به نام او

سپاس خدا را که ما را آفرید و در اقیانوس بیکران نعماتش غوطه‌ور ساخت و با درود بر اولیای کرامش که ما را با نعمات او آشنا ساختند و طریق شکرگزاری به ما آموختند، خاصه بر مولای متقیان و امیر مؤمنان علی علیه السلام که سخنان گرانبهایش راهنمای همگان است، چنان که در کتاب شریف نهج البلاغه همه‌ی طبقات را مخاطب ساخته و به آنان روش درست زندگی کردن را آموخته است:

سالکان را عبادت، امیران را عدالت، اغنیاء را سخاوت، فقرا را قناعت، رزمندگان را شجاعت، سلحشوران را مهارت، متقین را طریقت، دنیا پرستان را بصیرت، خفتگان را بیداری، تلاشگران را هوشیاری، عالمان را پرهیزکاری، خداپرستان را ژرف‌نگری، استناداران را دادگری و رعیت را به تبعیت از حاکمان عادل فراخوانده است.

◀ نهج البلاغه و من

این بنده افتخار دارد که در ایام عمر گذران خود، شش دهه، با این کتاب گرانقدر مأنوس بوده است:

- در دهه‌ی هزار و سیصد و چهل، کتاب "سخنان علی" که به تازگی توسط مرحوم جواد فاضل و با نثری شیوا انتشار یافته بود، رفیق سفر و حضر من بود.

- در دهه‌ی پنجاه که دوران دانشجویی من در دانشگاه تهران بود به فراگیری و حفظ نهج البلاغه مبادرت کردم و با ترجمه و شرح مرحوم فیض الاسلام از نهج البلاغه که در شش جلد مجزا طبع گردیده بود، مأنوس بودم و همواره از آن بهره می‌بردم.

- در دهه‌ی شصت به تصحیح و تعلیق بر شرح گرانبهای مولی فتح الله کاشانی بر نهج البلاغه که "تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين" نام دارد، اشتغال داشتم، این اثر که ترجمه و شرحی مزجی از این کتاب شریف است، یکی از بهترین شروح فارسی نهج البلاغه است و توضیحات مفصل لغوی که بر آن افزوده‌ام، عمده‌ی مأخوذ از کتاب ارزشمند "ترجمان اللغة فی شرح القاموس" است و بر غنای کتاب افزوده است.

- در دهه‌ی هفتاد که پس از اخذ دکتری در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه به تدریس اشتغال داشتم، همواره تدریس نهج البلاغه و مراجعه به شروح معتبر این گنجینه‌ی گرانقدر در اولویت تدریس من بود و صدها تن از دانشجویان دانشکده‌های ادبیات و الهیات با گذراندن این دروس فارغ التحصیل شده‌اند.

- در دهه‌ی هشتاد سر دبیری مجله‌ی پژوهش‌های نهج البلاغه را که در بنیاد نهج البلاغه انتشار می‌یافت بر عهده گرفتم و علاوه بر مطالعه و نقد و بررسی صدها مقاله‌ی واصله، خود نیز به انتشار چندین مقاله‌ی تحقیقی و ارزشمند در شرح مشکلات نهج البلاغه مبادرت کردم. همچنین کتاب فرهنگ واژگان نهج البلاغه که لغات و ترکیبات دشوار این کتاب را شرح کرده است در همین سال‌ها منتشر گردید.

- در دهه‌ی نود در پژوهشکده‌ی نهج البلاغه که با موافقت وزارت علوم تشکیل گردیده بود مسئولیت تدریس و راهنمایی دانشجویان مقطع دکتری نهج البلاغه را بر عهده داشتم و رساله‌های ارزشمندی در زمینه‌ی معارف نهج البلاغه در آن مؤسسه دفاع گردید. همچنین در دانشگاه تهران با کمک همکاران، رشته‌ی نهج البلاغه را در مقطع کارشناسی ارشد راه اندازی کردیم و تا کنون نیز در همانجا به انجام وظیفه اشتغال دارم. امیدوارم در راه انجام وظیفه قصور کمتری مرتکب شده باشم.

◀ انگیزه‌ی ترجمه

با وجود آنکه نهج البلاغه ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی دارد، اما همواره یکی از دغدغه‌های نگارنده، در اختیار داشتن ترجمه‌ای آموزشی از نهج البلاغه بوده است، ترجمه‌ای که کمککار خواننده در فهمیدن معنای متن باشد، از متن گره‌گشایی کند، واژگان متن را توضیح دهد، اجزای اصلی کلام را بشناساند، ضامنه‌ها را دقیقاً به مراجع خودشان بازگرداند، حال و تمیز و مفعول لاجله را به درستی معنی کند، در معنای واژگان حتی‌المقدور از واژگان هم‌ریشه با متن که در زبان فارسی هم استعمال می‌شود، بهره‌گیرد و یاور کسانی باشد که می‌خواهند متن نهج البلاغه را بیاموزند. بسیاری از پژوهشگران و دانشجویان وقتی ترجمه بخشی از نهج البلاغه را مرور می‌کنند، نگاهی هم به متن آن می‌افکنند تا با متن نیز مأنوس شوند و از ترجمه‌ی تطبیقی استقبال می‌کنند. ما در این ترجمه کوشیده‌ایم چنین متنی را فراهم کرده و آن را در اختیار دانشجویان و علاقه‌مندان قرار دهیم.



از سویی دیگر بسیاری از مترجمان نهج البلاغه از سبک «ترجمه آزاد» پیروی کرده‌اند و تأکیدشان بر مفاهیم نهج البلاغه است و به الفاظ آن التفات کمتری دارند و برخی هم در انتخاب واژگان، اعمال سلیقه کرده و از معنای اصلی دور شده‌اند و در مواردی هم لغزیده و به بیراهه افتاده‌اند. برای آنکه این سخن حمل بر ادعای بدون دلیل نشود، چند نمونه از این قبیل ترجمه‌ها ذکر می‌شود:

۱ - در خطبه‌ی ۲۵ نهج البلاغه، علی علیه السلام درباره‌ی یاران بی وفای خود با خدای خود چنین راز و نیاز می‌کند:

(اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ وَ مَلُونِي)

یعنی بارالها من از ایشان ملول گشته‌ام و ایشان هم از من ملول شده‌اند. اما در بعضی ترجمه‌ها آمده است: بارالها آنها را خسته ساختم و آنها نیز مرا خسته کردند. (دشتی) دیگری نوشته: من آنها را به ستوه آوردم، آنان نیز مرا (مبشری) و آن دیگر نوشته: (از بس نصیحت کردم و اندرز دادم آنها را خسته ساختم و آنها نیز مرا خسته کردند و من آنها را ملول و آنها مرا ملول ساختم) (مکارم)

نادرستی این ترجمه‌ها از آنروست که فعل مَلَّ از افعال لازم است و متعدی نیست مللتهم یعنی از ایشان ملول شدم و ملونی یعنی از من ملول شدند و ضمائر در محل نصب واقع شده‌اند و آنها را منصوب به نزع خافض می‌گویند. اگر مترجمین محترم یاد شده به این مطالب توجه داشتند، نسبت‌های ناروا از قبیل خسته کردن، به ستوه آوردن و ملول کردن را به امیر المومنین علیه السلام نسبت نمی‌دادند.

۲ - در نامه‌ی ۲۷ نهج البلاغه آمده است:

(يَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ أَنِّي قَدْ وَلَيْتُكَ أَعْظَمَ أَجْنَادِي فِي نَفْسِي أَهْلَ مِصْرَ)

یعنی ای محمد بن ابی بکر من تو را والی بزرگترین شهرهای مملکت خود - به نظر خودم - گردانیدم، که آن سرزمین مصر است.

اما بعضی از مترجمان نوشته‌اند: من تو را والی بزرگترین لشکرهایم ساختم که آن سرزمین مصر است. نادرستی این ترجمه از ظاهرش پیداست زیرا اهل مصر که نمی‌تواند بدل از اعظم لشکریان باشد و محمد بن ابی بکر والی بزرگترین شهرها بود و نه والی بزرگترین لشکرها.

حقیقت آن است که جند و جمع آن اجناد دارای دو معنی است یکی لشکر و دیگری شهر بزرگ، و تمامی کتب معتبر لغت این معانی را ذکر کرده‌اند:



چنان که در لسان العرب آمده است:

الجند: المدينة، وجمعها أجناد، وخص أبو عبيدة به مدن الشام، و أجناد الشام خمس كور؛ ابن سيده: يقال الشام خمسة أجناد: دِمَشْق و حِمص و قِنَسْرِين و الْأُرْدُنُّ و فِلَسْطِين، يقال لكل مدينة منها جند.

اگر مترجمان والامقام یعنی مرحومان فیض الاسلام، شهیدی، آیتی، حسن زاده‌ی آملی (در تکملة المنهاج) و انصاریان و دشتی به لغت مراجعه می‌کردند مرتکب این خطا نمی‌شدند.

۳- در خطبه‌ی ۱۰۹ نهج البلاغه از قرآن کریم به احسن الحدیث و انفع القصص تعبیر شده است، لازم است یادآور شود که قصص به فتح اول مصدر و به معنای بیان کردن است و مفرد، اما قصص به کسر اول جمع قصه به معنی داستان‌هاست و در قرآن و نهج البلاغه با کسر اول و به معنی داستان‌ها استعمال نشده است، اما متأسفانه بعضی از مترجمان تعبیر "انفع القصص" که به معنی نافع‌ترین بیان است را به سودمندترین داستان‌ها ترجمه کرده‌اند، برای نمونه مراجعه شود به ترجمه‌های دشتی، انصاری جعفری و مکارم.

۴- در حکمت ۶۶ نهج البلاغه آمده است: (إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّ كَيْفَ كُنْتَ). یعنی: هرگاه آنچه می‌خواهی نبود، پس بر آنچه بودی غمگین مباش. باید دانست که فعل لاتبل در اصل لا تبال بوده و الف آن به خاطر تخفیف حذف شده است، و در معنای آن در کتب معتبر لغت گفته‌اند: بالی الأمر/ بالی بالأمر/ بالی للأمر اکترت له، واهتم به. یعنی برای آن کار غمگین شد. شارحان لغوی نهج البلاغه مثل ابن ابی الحدید هم گفته‌اند: قوله فلا تبَلْ بذلك ای لا تکثر بفوت مرادک و لا تبتئس بالحرمان.

حال بنگرید که برخی از مترجمان در ترجمه‌ی این عبارت چه نوشته‌اند: اگر به آنچه خواستی نرسیدی از آنچه هستی نگران مباش (دشتی و کمره‌ای در منهاج البراعة). به هر حال که هستی قانع باش (آیتی و انصاریان). باری بدان ننگر که کیستی (شهیدی). در بند آن مباش که در چه حالی (گرمارودی).

تعداد خطاهایی که این بنده در ترجمه‌های نهج البلاغه ملاحظه کرده و برخی از آنها را در مقدمه‌ی کتاب واژگان نهج البلاغه و یا پایانه‌ی همین کتاب ذکر کرده‌ام، بالغ بر صدها مورد می‌گردد.



◀ شیوهی ترجمه

از آنرو که عبارات کتاب‌هایی همچون قرآن و نهج‌البلاغه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نباید در ترجمه، چیزی به متن افزود یا از آن کاست، بر خلاف ترجمه‌ی رمان‌ها و داستان‌ها که عبارات متن چندان مهم نیست و مترجم می‌تواند با ترجمه‌ای آزاد و افزودن و یا کاستن واژگان و جملات و ایراد تعبیری نو، بر شیوایی متن بیافزاید.

بر این اساس، ما روش ترجمه‌ی مزجی را برگزیده‌ایم، یعنی عبارات نهج‌البلاغه و ترجمه در یک متن قرار گرفته است و خواننده ابتدا جمله‌ی کوتاهی از متن را می‌خواند و به دنبال آن ترجمه‌ی دقیق آن جمله را.

ایجاد مقارنه بین متن و ترجمه فواید دیگری هم دارد، می‌تواند آموزش زبان و لغت و اعراب نهج‌البلاغه باشد، چون معنای فارسی واژه دقیقاً در جمله‌ی ترجمه آمده است، همچنین نقش و اعراب جمله کاملاً مشخص شده است، یعنی لازم یا متعدی بودن افعال، معلوم یا مجهول بودن آنها، انواع مفعول‌ها، و حال که برای فاعل است یا مفعول و تمیز که برای کدام فعل است و ضمائر که مرجعشان چیست، دقیقاً در این ترجمه مشخص شده است و از این حیث می‌توان گفت این ترجمه، ترجمه‌ی آموزشی نهج‌البلاغه است و برای دانشجویان و دانش پژوهان مفیدیت بیشتری دارد.

◀ توضیحات لغوی

معانی واژگان که در پاورقی‌ها آمده است، مستندات ترجمه است، خواسته‌ایم بگوئیم مترجم، واژگان را بر اساس حدس و گمان انتخاب نکرده، بلکه معتبرترین متون لغت و ادب مؤید این ترجمه است، این کتب لغت عبارت است از:

- لسان العرب ابن منظور که خود شامل تهذیب ازهری، محکم ابن سیده، صحاح جوهری، حاشیه‌ی ابن بری، نهایی ابن اثیر و جمهره‌ی ابن درید است.

- قاموس فیروزآبادی که معتبرترین کتاب لغت عرب است و شرح قاموس که ترجمان

اللغه نام دارد، فراوان مورد استناد مترجم بوده است.

- معجم مقاییس ابن فارس که ویژگی آن بیان اصل و یا اصول متعدد برای ریشه‌ی

واژگان است.





- النهایه‌ی ابن اثیر که معظم آن در لسان العرب آمده است، اما ویژگی آن تسلط مولف آن بر احادیث پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ و صحابه است.

- معاجم جدید مثل معجم الوسیط مجمع اللغة و المنجد لویس معلوف.

این نکته را هم بگوییم که جایگاه علیؑ در علم لغت در زبان و ادب عربی جایگاهی بس رفیع است به گونه‌ای که تنها در کتاب لسان العرب متجاوز از هشتصد بار به کلمات و جملات علیؑ ارجاع شده است، می‌دانیم که مؤلفان کتب لغت برای اثبات درستی یک معنا برای واژه، به اقوال واضعان و ادیبان بزرگ استشهاد می‌کنند و ابن منظور در لسان العرب چنین کرده است، برای نمونه به مثال‌های زیر توجه شود:

۱ - و فی حدیث علی: **مَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الذِّلَّةَ وَ سَيِّمَ الْخُسْفَ، الْخُسْفَ:**

النقصان و الهوان. لسان العرب.

تعبیر "سیم الخسف" در نهج البلاغه خطبه‌ی ۲۷ آمده است.

۲ - وقرمط الكاتب إذا قارب بين كتابته. و فی حدیث علی: **فَرَجَ بَيْنَ السُّطُورِ وَ قَرَمِطُ بَيْنَ الْحُرُوفِ.** لسان العرب.

این تعبیر در حکمت ۳۰۷ نهج البلاغه و در خطاب به عبید الله بن ابی رافع الكاتب آمده است.

۳ - و فی حدیث علی، رضی الله عنه: **وَ مَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقٍ نَاصِلٍ أَى رَمَى بِسَهْمٍ مُنْكَسِرٍ الْفَوْقَ لَا نَصْلَ لَهُ.**

در خطبه‌ی ۲۹ نهج البلاغه این تعبیر آمده است.

در این ترجمه، بسیاری از توضیحات لغوی واژگان نهج البلاغه که در باورقی‌ها آمده از همین کتاب لسان العرب استخراج شده و از معاجم دیگر هم کم و بیش استفاده شده است.

◀ استفاده از شروح نهج البلاغه

به عقیده‌ی ما هر مترجم باید لااقل یکی دو شرح معتبر را پیش روی خود بگذارد و در مشکلات و دشواری‌های ترجمه از آن استمداد کند، برای روشن شدن مدعا، بی‌مناسبت نیست مثالی ذکر شود:

در خطبه‌ی ۷۲ آمده است: مروان بن حکم که داماد عثمان بود در جنگ جمل اسیر شد و پس از آنکه علی علیه السلام او را آزاد کرد و حسنین علیهم السلام - گفتند آیا او بیاید و دوباره بیعت کند؟ علی علیه السلام فرمود: لَا حَاجَةَ لِي فِي بَيْعَتِهِ إِنَّهَا كَفَّ يَهُودِيَّةً لَوْ بَايَعَنِي بِيَدِهِ لَعَدَرْتُ بِسَبْتِهِ.

یعنی مرا به بیعت او نیازی نیست زیرا دست او دستی یهودی و خیانتکار است و اگر با دستش بیعت کند با دُبر خود آن را نقض می‌کند و خیانت می‌ورزد.

آقای قیس بهجت عطار که از مصححان است، واژه‌ی "بَسْبَتَه" را "بَسْبَتَه" خوانده است و می‌گوید سبت یا شنبه روز تعطیلی یهودیان است و این حقیقتی است که ما بدان وقوف یافتیم و دکتر گرمارودی ادیب نیز به تبع ایشان در ترجمه‌ی خود مرقوم کرده‌اند: اگر با دست خود امروز بیعت کند، روز شنبه آن را می‌شکند.

حال صرف نظر از اشکالاتی که بر این خوانش و ترجمه وارد است، آیا بهتر نبود، اقوال شارحان بزرگ را در این باره مشاهده می‌کردیم، آنان که بر لغت و ادب عربی و آداب و رسوم جاهلی هنگام نقض عهد و پیمان وقوف بیشتری دارند، و بعد اظهار نظر می‌کردیم؟

- ابن ابی الحدید، شارح ادیب و لغوی نهج البلاغه در شرح این عبارت می‌نویسد: لان الغادر من العرب كان إذا عزم على الغدر بعد عهد قد عاهده، أو عقد قد عقده، حيق استهزاء بما كان قد أظهره من اليمين والعهد، وسخرية وتهكما.

- ابن میثم شارح بزرگ نهج البلاغه نیز در اینبار می‌نویسد: قوله: لو بايعني بيده بسبته، ذكر السبّة اهانة له، لأن العذر من أقبح الرذائل فنسبته الى السبّة أولى و أنسب، والعرب تسلك مثل ذلك في كلامها.

- علامه شیخ محمد تقی شوشتری در شرح گرانقدر خود بر نهج البلاغه در شرح این کلام می‌نویسد:

«لَعَدَرْتُ بِسَبْتِهِ» أَيْ: بَاسْتَه. يَعْنِي تَأْيِيدَ مِي كُنْدَ كِه مَنْظُور "دَبَر" اسْت، أَنْگَاهِ هَمِينَ عِبَارَتِ عَلِي علیه السلام رَا از وَاقْدِي (مُتَوَفَاي ۲۰۷) چَنِین نَقْل مِي كُنْد:

«وَايْمُ اللَّهِ إِنْ فَيَكُم مِّنْ لَاِ أَبَالِي بِايعْنِي بِكَفِّهِ أَوْ بَاسْتَه» بَعْدَ از آن از كِتَابُ الْجَمَلُ شَيْخُ مَفِيد (مُتَوَفَاي ۴۱۲) چَنِین نَقْل مِي كُنْد: «وَإِنْ فَيَكُم رَجُلًا لَوْ بَايَعَنِي بِيَدِهِ لَنَكْتُ بَاسْتَه يَعْنِي مَرْوَانَ بْنَ الْحَكَمِ».

بَعْدَ از آن عِبَارَتِ رَا از الْخَرَائِجُ قُطْبُ الدِّينِ رَاوَنْدِي (مُتَوَفَاي ۵۷۳) چَنِین نَقْل مِي كُنْد: «فَلَمَّا بَسَطَ يَدَهُ لِيْبَايَعَهُ أَخَذَ كَفَّهُ عَنْ كَفِّ مَرْوَانَ فَنَزَاهُ وَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا، إِنَّهَا كَفَّ يَهُودِيَّةً لَوْ بَايَعَنِي بِيَدِهِ عَشْرِينَ مَرَّةً لَنَكْتُ بَاسْتَه...». بِهِجِ الصَّبَاغَةِ / ج ۵.



آری دیگر نمی‌توان از احتمال درستی معنای "یوم السبت" در آن عبارت مولی سخن گفت.

ملاحظه می‌شود که این شروح گرانقدر چقدر می‌تواند در خوانش صحیح متن و ترجمه‌ی متن، مفید واقع شود. اما این بنده در اثنای ترجمه، پنج شرح گرانقدر نهج البلاغه را فرا روی خود قرار داده و از آنها فراوان بهره جسته است:

۱ - شرح ابن ابی الحدید که دو چاپ نیکو دارد، یکی طبع بیروت که در چهار مجلد و در قطع مصری منتشر شده است و دیگر طبع بیست جلدی آن که با تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم منتشر شده است. این شرح دارای مباحث ارزشمندی در موضوعات ادبی و تاریخی است.

۲ - شرح ابن میثم بحرانی عالم و متکلم امامی که معاصر شارح معتزلی بوده است. این شرح نیز دارای دو چاپ نیکو است، یکی شرحی که توسط عالم وارسته خاتمی رازی در پنج جلد منتشر شده است و دیگر چاپ نفیسی که در یک مجلد فشرده در بحرین - سرزمین ابن میثم - چاپ شده است. گفتنی است که این میثم بحرانی نسخه‌ی دستنویس سید رضی از نهج البلاغه را در اختیار داشته و در شرح خود به دعای بدین مطلب تصریح کرده است.

۳ - شرح مولی فتح الله کاشانی به نام تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین که در سه مجلد با توضیحات لغوی مبسوط توسط راقم این سطور در سال ۱۳۶۴ منتشر شده و از مضامین آن فراوان بهره‌مند گردیده‌ام.

۴ - شرح منهج البراءة تألیف میرزا حبیب الله خوبی هاشمی که شارح، عالمی وارسته و ادیب بوده است، این شرح ۲۱ مجلد است جلد اول آن به علوم بلاغت در نهج البلاغه اختصاص یافته است.

۵ - شرح بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه که توسط خربت صناعت حدیث و رجال در دوره‌ی معاصر، یعنی مرحوم شیخ محمد تقی شوشتری تدوین گردیده و نکات ارزشمندی فراوانی محققان قرار داده است.



◀ لزوم آشنایی با احادیث در ترجمه

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که مترجم نهج البلاغه باید داشته باشد، آشنایی با احادیث امام علی و دیگر ائمه علیهم‌السلام است، چه بسا مطلبی در نهج البلاغه به اجمال آمده، اما تفصیل آن در احادیث دیگر ذکر شده است و مصحح یا مترجم بدون اطلاع از آن تفصیل ممکن است به بی‌راهه رود.

برای اثبات این مطلب خوب است مثالی ذکر شود:

در حکمت ۳۲۰ نهج البلاغه آمده است:

(إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ).

یعنی خداوند در اموال ثروتمندان، قوت و غذای فقیران را قرار داده است و هیچ فقیری گرسنه نماند مگر آنکه ثروتمندی او را از حقش منع کرده است و خدای تعالی از ایشان مؤاخذه خواهد کرد.

اما در نهج البلاغه صبحی صالح همین حکمت با این عبارت نقل شده است: فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ. (حکمت ۳۲۸) یعنی هیچ فقیری گرسنه نشد مگر آنکه ثروتمندی به واسطه‌ی او متمنع و بهره‌مند گردید.

از طرف دیگر در روایات بسیاری تصریح شده است که گرسنگی فقرا به علت منع ثروتمندان از ادای زکات است و از تمتع و بهره‌مندی سخنی نرفته است، مثلاً کلینی در کافی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل می‌کند:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَإِنَّمَا يُؤْتِي الْفُقَرَاءَ فِيمَا اتَّوَا مِنْ مَنَعَ مِنْ مَنَعِهِمْ حَقَّوْقَهُمْ لَا مِنْ الْفَرِيضَةِ. (الكافي ۳/۴۹۸).

همین روایت با تأکید بر جمله‌ی (فما جاع فقير الا بما منع غني) را بسیاری از محدثان در کتاب‌های خود آورده‌اند، همچون: شیخ صدوق م ۳۸۱ در من لا یحضره الفقیه ۲/۳ و ابو سعید الابی م ۴۲۱ در نشر الدرر ۱/۱۸۷ و ابو نعیم اصفهانی م ۴۳۰ در حلیة الاولیاء ۳/۱۷۸ و خطیب بغدادی م ۴۶۳ در تاریخ بغداد ۵/۳۰۸ و ابن فتال نیشابوری م ۵۰۸ در روضة الواعظین ۲/۴۵۴ و زمخشری م ۵۳۸ در ربیع الابرار ۲/۲۵۵ و ابن حمدون م ۵۶۲ در التذکرة الحمدونية ۸/۱۰۷ و لیثی واسطی در عیون الحكم و المواعظ ۱۵۳ و علی بن حسن طبرسی



در مشکاة الانوار ۱۲۷ و یحیی بن سعید الحلّی م ۶۹۰ در الجامع للشرایع ۱۵۲ و خطیب رومی م ۹۴۰ در روض الاخبار ۱۲۹ و شیخ حر عاملی م ۱۱۰۴ در وسائل الشیعه ۴/۱۳ و علامه مجلسی م ۱۱۱۰ در بحار الانوار.

علاوه بر منابع فوق، تمامی نسخ معتمد و شروح معتبر هم (منع غنی) ضبط کرده‌اند، تنها در شرح محمد عبده و متن صبحی صالح، به دلیل عدم آشنایی آنان با مجموعه‌های حدیثی و صرفاً با اتکاء به یک نسخه (متع به غنی) ثبت شده است و تأسف بار تر آنکه بیشتر شارحان و مترجمان ایرانی معاصر بر متن صبحی صالح اعتماد کرده و همان غلط را در کتاب‌های خود تکرار کرده‌اند.

آشنایی با خانواده‌ی احادیث در موضوعات مختلف، سهم بسزایی در درک و فهم درست نهج‌البلاغه دارد و مترجم نهج‌البلاغه غیر از آشنایی با زبان عربی بایستی با قرآن و احادیث پیامبر اکرم و ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) مأنوس باشد.

◀ ادبیات ترجمه

در این ترجمه سعی شده است تا آنجا که ممکن است از معنای متن تجاوز نشود، نه چیزی بدان بیفزاییم و نه چیزی از آن بکاهیم و در این مسیر گاه لازم شده است به اصطلاحات علوم اسلامی وفادار باشیم و آنها را عیناً در ترجمه بیاوریم، مثلاً در خطبه‌ی اول نمی‌توان برای واژه‌ی "محکم و متشابه" و یا "ناسخ و منسوخ" که در معنای آنها کتاب‌ها نوشته شده است - معادلی مفرد انتخاب کرد و ما به ناچار همان‌ها را در ترجمه ذکر کرده‌ایم. همچنین نباید از به کار بردن واژگان عربی که در زبان فارسی استعمال شده است، پرهیز کرد و لزوماً برای آن واژگان، معادل پارسی سره ساخت، مثلاً در ترجمه‌ی "یُؤَلِّفُ اللَّهُ بَیْنَهُمْ" نوشته‌ایم: اَلَفَت می‌دهد خدا در میان ایشان، یا در ترجمه‌ی "مَلُونِی" آمده است: ملول شدند از من، زیرا واژه‌ی اَلَفَت و ملالت، کاملاً در زبان فارسی مفهوم است و نیازی به ترجمه‌ی آن نیست. ولی بعضی از مترجمان، خود را موظف می‌دانند تا برای کلماتی که ریشه‌ی عربی دارد، حتماً معادل فارسی سره قرار دهند.

این نکته را هم بگوییم که زبان فارسی همان زبانی است که سنایی و سعدی و حافظ و امثال آنان بدان سخن گفته‌اند و حدیقه و گلستان و بوستان و لسان‌الغیب برای ما بر جای گذاشته‌اند و متأسفانه ما در مسیری گام بر می‌داریم که باید در آینده‌ی نزدیک گلستان و بوستان را برای نسل‌های آتی ترجمه کنیم!



◀ سید رضی و چند خطا

سید رضی از دانشمندان بزرگ امامی است و خدمتی که در گردآوری کلمات امام علی (ع) به انجام رسانده، افتخاری بزرگ است و این توفیق همچون تاجی و هاج بر تارک او می‌درخشد، اما این بنده در طی سالیانی که به تدریس و تدرّس نهج البلاغه اشتغال داشته‌ام، برخی تفسیرهای او را بر کلمات امیر مؤمنان علی (ع) نامناسب یافته‌ام که بی‌مناسبت نیست به چند مورد آن اشاره شود:

۱ - در حکمت ۲۱ نهج البلاغه آمده است: برای ما حقی است که اگر آن را به ما بدهند، حق به حق دار رسیده است و اگر ندهند، بر کفل‌های شتر (اعجاز الابل) سوار می‌شویم، گر چه سیر شبانه طولانی باشد.

سید رضی می‌گوید: معنای این سخن آن است که اگر حق ما را ندهند، ما ذلیل خواهیم بود، همچنان که عبد و اسیر و مانند آنها که بر پشت راکب می‌نشینند خوار و ذلیل‌اند.

اما هیچ یک از لغویان بزرگ این معنا را برای (رکوب بر اعجاز ابل) تأیید نکرده‌اند:

- ابن قتیبه دینوری م ۲۷۶ در معنای حدیث می‌گوید: معناه این منعنا حقنا رکبنا مرکب المشقة و صبرنا علیه و این طال. (به نقل از تهذیب اللغة ۱/۳۴۱).

- ازهری م ۳۷۰ در توضیح حدیث می‌نویسد: این منعنا حقنا منها و آخرنا عنها صبرنا علی الأثرة علینا و این طال الأيام. (همان).

- ابن اثیر م ۶۳۰ معنا را چنین بیان می‌کند: این منعنا حقنا رکبنا مرکب المشقة صابرين علیها و این طال الأمد. (النهاية ۲/۱۸۵).

- ابن منظور نیز در لسان العرب همین معنای ابن اثیر را برای تعبیر علی (ع) ذکر کرده است. (لسان العرب ۹/۵۹).

اما ملاحظه می‌شود که این لغویان بزرگ معنای مشقت و صبر و پایداری را برای عبارت ذکر کرده‌اند ولی سید رضی - رحمه الله - معنای ذلت را ذکر کرده است که تفسیری نا رواست. مشقت آری اما ذلت هرگز!

۲ - در خطبه‌ی ۱۶۴ که در شگفتی‌های خلقت طاووس است، علی (ع) درباره‌ی پرهای زیبای دم طاووس و برافراشته شدن آن فرموده است: و دمی که به درازا آن را بر روی زمین می‌کشد و چون بر طاووس ماده بگذرد آن را باز کند و از در هم پیچیدگی درآورد و برافرازد و بر سر کشد آن را، گویی که آن دم، بادبان ناخدای کشتی است. در تعبیر امیر بیان از

واژه‌ی (قلع داری) استفاده شده است که کلمات "قلع" به معنی بادبان و "داری" به معنی متولی بادبان است، چنان که در لسان العرب آمده: الداری: الملاح الذی یتولی الشراع. و واقعاً تشبیه پره‌های برافراشته شده‌ی طاووس به بادبان کشتی، تشبیهی نیکوست، اما سید رضی در توضیحات خود می‌نویسد: (و داری منسوب الی دارین و هی بلدة علی البحر یجلب منها الطیب) که واقعاً تفسیری بعید است، بادبان شهر دارین یعنی چه و این که از آن شهر عطر به شهرهای دیگر می‌برند چه دخلی به تشبیه دارد؟

۳ - در حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه آمده است که علی علیه السلام از انس بن مالک می‌خواهد که به نزد طلحه و زبیر برود و حدیث پیامبر را به آن دو گوشزد کند، اما انس عذر می‌آورد و می‌گوید آن را فراموش کرده‌ام و حضرت او را نفرین فرموده و او به مرض برص مبتلا می‌شود.

اما تمامی ارباب حدیث و تاریخ که این ماجرا را نقل کرده‌اند، اتفاق دارند که این ماجرا مربوط به حدیث غدیر خم است و علی علیه السلام از انس بن مالک خواسته‌اند که به حدیث (من كنت مولاه فعلي مولاه) که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است، گواهی دهد ولی او گفته فراموشی بر من غالب شده است، ولی سید رضی در مقدمه‌ی حکمت ۳۰۳ می‌گوید:

و قال علیه السلام: لأنس بن مالك و قد كان بعثه إلى طلحة و الزبير لما جاء إلى البصرة يذكرهما شيئاً سمعه من رسول الله صلى الله عليه وآله في معناهما قلوي عن ذلك.

عبارت (فی معناهما) یعنی حدیثی که در شأن طلحه و زبیر است، به آنان گوشزد کند، و این نا دیده گرفتن یکی از مهمترین احادیث و وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حدیث غدیر است.

در زیر برخی از اسناد این مدعا آمده است:

- ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۲) می‌نویسد:

أنس بن مالك كان بوجهه برص، و ذكر قوم: أن علياً رضي الله عنه سأله عن قول رسول الله: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، فقال: كبرت سني و نسيت، فقال علي: إن كنت كاذباً فضربك الله ببياض» لا توارىها العمامة». (المعارف ۱/۲۵۱).

همین مضمون را مورخان دیگر هم آورده‌اند و از برای اختصار فقط به ذکر نام کتاب و صفحه‌ی آنها اکتفا می‌شود:

- احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹) انساب الاشراف ۲/۱۵۶ حدیث ۱۶۹.
 - ابن رسته (متوفای حدود ۳۰۰) الاعلاق النفیسة ۲۲۱.
 - ابو منصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹) لطائف المعارف ۱۰۵.
 - ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰) حلیة الاولیاء ۵/۲۶.
 - ابن اثیر ابوالمکرم (متوفای ۶۳۰) اسد الغابة ۳/۴۹۲ رقم ۳۳۸۲.
 - ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶) شرح نهج البلاغه ۱۹/۲۱۸.
 - ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴) البداية و النهایة ۵/۲۱۱.
 - متقی هندی (متوفای ۹۷۵) کنز العمال ۱۳/۱۳۱ حدیث ۳۶۴۱۷.
 - جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱) تاریخ الخلفاء / الاحادیث الواردة فی فضله.
- با ملاحظه‌ی اسناد فوق روشن می‌شود که این ماجرا مربوط به گواهی دادن به حدیث غدیر خم است و نه گواهی دادن به جمله‌ای درباره‌ی طلحه و زبیر.

◀ ترتیب و شماره گذاری خطبه‌ها

- باید دانست که ترتیب و شماره گذاری در ترجمه‌های موجود نهج البلاغه، عمده متاثر از دو تصحیح نهج البلاغه است:
- ۱- ترجمه و شرح مرحوم فیض الاسلام.
 - ۲- تصحیح مرحوم صبحی صالح.
- ما در ترتیب و شماره گذاری از نسخه مرحوم فیض الاسلام تبعیت کرده‌ایم. اما توضیحی درباره‌ی این دو نسخه:

اول: ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام (متوفای ۱۳۶۴) که با خط زیبای طاهر خوشنویس در شش جزء در سال ۱۳۳۱ منتشر شده است، این کتاب اولین ترجمه و شرح از نهج البلاغه در دوران معاصر است و می‌توان گفت بسیاری از مترجمان و محققان فارسی زبان، از آن بهره‌ها برده‌اند. مرحوم فیض الاسلام با بهره‌گیری از شرح مولی فتح الله کاشانی (متوفای ۹۸۸) که این بنده توفیق تصحیح و توضیح و مرور مکرر آن را داشته‌ام و همچنین شرح ابن میثم بحرانی (متوفای نیمه‌ی دوم قرن هفتم) و سایر منابع و مآخذ امامی، ترجمه و شرحی گرانقدر را در اختیار فارسی زبانان قرار داده است، همچنین این ترجمه و شرح به زبان‌های اردو، آلمانی، فرانسه، روسی و غیره نیز ترجمه شده و در جهان نامبردار است.



دوم: تصحیح و توضیح دکتر صبحی صالح (متوفای ۱۹۸۶) که از علمای ادب و لغت

لبنان بود و در بیروت ترور شد. صبحی صالح نهج البلاغه را با حروفچینی و صفحه آرایی زیبا و با الحاق بیست فهرست، شامل اعلام و لغات و امکنه و غیره در سال ۱۹۶۷ منتشر کرد و در کشورهای عربی و اسلامی جایگاهی والا یافت. صبحی صالح از شرح محمد عبده، خصوصاً در شرح لغات استفاده‌ی وافر کرده است و او نیز به سهم خود از شرح ابن ابی الحدید معتزلی بهره‌مند بوده است. صبحی صالح در مواردی در نهج البلاغه دست برده، تیتراها و عناوینی به متن افزوده و بعضی عبارات را به گونه‌ای تغییر داده و یا اعراب گذاری کرده که بالکل در معنی اخلال ایجاد کرده است، مثل آنکه عبارت "الامامة نظاماً للامة" را تبدیل به "الامانة نظاماً للامة" کرده است و یا آنکه عبارت "واعجبا تكون الخلافة بالصحابة و لا تكون بالصحابة و القرابة" را بدین صورت محرف در آورده است "واعجبا اتكون الخلافة بالصحابة و القرابة" همچنین ترتیب قرار گرفتن خطب را تغییر داده و بعضی از حکمت‌ها را به دو بخش تقسیم کرده و برای هر یک، شماره‌ی مجزا قرار داده و تعداد آنها را از ۲۷۲ به ۲۸۰ افزایش داده است.

این‌ها بخشی از دلایلی است که ما را واداشت تا ترتیب و شماره گذاری نسخه‌ی فیض الاسلام و سایر نسخ معتمد امامی را ارج نهاده و از آن تبعیت کنیم.

امیدوارم این خدمت اندک در پیشگاه امیر مؤمنان علی (ع) مقبول واقع شود و از خطاها و لغزش‌های ما در گذرند.

ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب.

